جلسه 31-657

**چهار‌شنبه - 27/08/94[[1]](#footnote-1)**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

دو مطلب راجع به فرمایشات آقای زنجانی عرض کنم، یکی این بود که ایشان فرمود اگر میداند که قربانی پیدا نمیکند باید در دهه اول ذی حجه روزه بگیرد، سه روز بدل هدی را، ما اشکال کردیم که صحیحه زراره دارد که ان احببت ان تصوم هذه الثلاثه فی العشر الأواخر فلابأس بذلک، چرا شما به این صحیحه فتوی نمیدهید؟.

ظاهرا ایشان به نظر شان اجماع هست بر وجوب تقدیم بر ایام تشریق وعدم جواز تأخیر این صوم سه روز از دهه اول، ما این اجماع برای ما ثابت نیست، اجماع بر این که عمدا جائز نیست شخصی که میداند عاجز از قربانی است صوم ثلاثه ایام را از دهه اول ذی حجه تأخیر بیاندازد ودر دهه دوم ویا سوم بخواهد این سه روز را روزه بگیرد.

اگر این اجماع ثابت بشود لابد صحیحه زراره را حمل کردند بر کسی که یا از روی عذر دهه اول ذی حجه آن صوم ثلاثه ایام را بجا نیاورد، مثل این که نمیدانست فاقد الهدی است، یا برخلاف وجوب فوی تأخیر انداخت، لازم نیست در دهه دوم این کار را انجام بدهد، ان احببت یعنی لازم نیست دهه دوم این کار بکنی، میتوانی دهه سوم این کار را بکنی، اما چرا دهه اول این کار را نکردی، اگر عمدا با این که میدانستی فاقد الهدی هستی دهه اول یعنی روز اول تا نهم، این سه روز بدل هدی را روزه نگیری معذور نیستی، پس ان احببت را حمل میکنند بر کسانی که امرشان دائر است بر این که دهه دوم روزه بگیرند یا دهه سوم، مثلا از چهاردهم روزه بگیرند یا از بیست ویکم، روایت میگوید ان احببت ان تصوم فی العشر الاواخر فلابأس، لازم نیست در دهه دوم روزه بگیری، اما دهه اول برای کسی که میداند قربانی ندارد فوری است که این سه روز را روزه بگیرد وتأخیر نیاندازد به ایام بعد ایام تشریق.

این خلاف ظاهر صحیحه زراره است این توجیه، اگر اجماعی باشد ما میپذیریم، والا اگر اجماعی نباشد که ما چنین اجماعی پیدا نمیکنیم به حسب ظاهر، صحیحه زراره ظهورش این است که ان احببت ان تصوم فی العشر الاواخر یعنی حتی دهه اول هم دستور الزامی ندارد که این سه روز را روزه بگیری.

موثقه حسن بن جهم کار را مشکل میکند میتواند مؤید آقای زنجانی باشد، قال سألته عن رجل فاته صوم الثلاثة الایام فی الحج، قال من فاته صیام ثلاثة ایام فی الحج مالم یکن عمدا تارکا، بخوانید عامدا تارکا، فانه یصوم بمکة مالم یخرج عنها، کسی که صوم ثلاثة ایام در حج ازش فوت بشود مادامی که عمدا ترک نکرده باشد این کار را، بهش میگوئیم تا مادامی که از مکه نفر نکردی به وطن خودت بعد از رجوع از منی در مکه هستی این سه روز را روزه بگیر، مادامی که لم یکن عمدا تارکا، مالم یکن عامدا تارکا.

این ظاهرش این است که سفارش میکند عمدا ترک نکن صوم ثلاثة ایام فی الحج را، خوب این ظاهرش این است سفارش میکند عمدا قبل از ایام تشریق یعنی روز اول ذی الحجه تا روز نهم ترک نکن صوم ثلاثة ایام را، ولی اگر از روی عذر ترک شد یا عصیان کردی وترک کردی خوب بعد از ایام تشریق تا مادامی که در مکه هستی روزه بگیر.

اگر بفرمائید خوب ثلاثة ایام فی الحج در روایت تفسیر شده به ماه ذی الحجة، پس معنای روایت این است که من فاته صیام ثلاثة ایام فی ذی الحجة، فانه یصوم بمکة مالم یخرج عنها، اگر بگوئید ظاهر روایت به قرینه تفسیر حج به ذی الحجة در صحیحه رفاعه معنایش این است که اگر عمدا ترک نکردی صوم ثلاثة ایام را در ماه ذی الحجة اشکال ندارد، تا مادامی که در مکه هستی این سه روز را روزه بگیر.

این توجیه بعیدی است، چون عادتا اشخاصی که مسافر بودند تا آخر ذی الحجة در مکه نمیماندند، دیگر بعد از اعمال حج نمیماندند کوچ میکردند به بلادشان، ظاهر این روایت که میگوید من فاته صیام ثلاثة ایام فی الحج، یعنی در هنگام اعمال حج، یعنی در همان دهه اول، حملش بر این که من فاته صیام ثلاثة فی الحج ای فی ذی الحجة، این عرفی نیست، چون بعدش میگوید یصوم بمکة مالم یخرج عنها، یعنی در ماه محرم در مکه روزه بگیرد قبل از خروج به وطن خودش، این متعارف نیست که حجاج تا محرم در مکه بمانند.

انصاف این است ظهور این روایت در فرمایش آقای زنجانی خوب است، ولی به نظر من جمع عرفی این روایت با صحیحه اقتضاء میکند که تأکد استحباب از این روایت بفهمیم، زیرا صحیحه زراره میگوید ان احببت ان تصوم فی العشر الاواخر فلابأس، خوب این انصافا جمع عرفی بین این دو صحیحه اقتضاء میکند که عمدا حتی المقدور صوم ثلاثه ایام را در دهه اول ذی الحجه ترک نکن.

جواب سؤال: اگر عمدا ترک کند محتمل نیست که حجش باطل باشد، یا صومش ساقط بشود ومبدل شود به هدی، ظاهر مالم یکن عمدا تارکا این است که اگر عمدا ترک کنی گناه است، این ظهور را قبول داریم ولی مقتضای جمع عرفی با صحیحه زراره حمل بر تأکد استحباب است.

جواب سؤال: نه روزه نگرفته، چه قلّت ثوابی، ظاهرش این است که گناه کرده، ولی به قرینه صحیحه زراره میگوئیم که کراهت شدیده دارد تأخیر صوم از دهه اول ذی الحجه، حزازت دارد، ترک صوم وتأخیر صوم از دهه اول حزازت دارد، کاری نکرده تا بگوئیم عبادتی انجام داده است ونهی کراهتی از او به معنای قلت ثواب است.

مطلب دوم این است که ایشان در رابطه با صحیحه رفاعه که داشت یصوم یوم الحصبة قال قلت وما الحصبة قال یوم نفره، قلت اولیس هو مسافرا قال نعم، قلت یصوم وهو مسافر قال نعم، الیس هو یوم عرفة مسافرا، در صحیحه رفاعه وقتی که امام فرمود سه روز یصوم ثلاثة ایام بعد النفر، سائل گفت مدیر کاروان صبر نمیکند میگوید باید برگردیم به شهرمان، امام فرمود یصوم یوم الحصبة وبعده بیومین، در روایت کلینی دارد وما الحصبة قال یوم نفره، آقای زنجانی فرمودند چون فرموده یوم نفره ،ونه یوم النفر، این ظهور دارد ویا لااقل محتمل است نفر از مکه باشد به وطن، نه یوم النفر از منی، شاهدش هم این است که سائل گفت آخه این مسافر است، این استیحاش که این مسافر است برای کی مناسب است؟ آن که از اول بحثش این بود که روز هفتم وهشتم ونهم روزه بگیرد، آن موقع هم مسافر بود، این که سائل میگوید این که شما میگوید یوم الحصبة ای یوم نفره این که مسافر است، امام میفرماید چه اشکال دارد، معلوم میشود این سفری بوده غیر از سفری که در منی وعرفات داشت، وآن سفری است که از مکه به وطنش داشته است.

دقت کنید، ایشان فرمودند دو تا قرینه میآوریم که یصوم یوم الحصبه روز چهاردهم به بعد است ونه روزه سیزدهم، ولو ظهور یوم الحصبه روزه سیزدهم است، اما این جا دوتا قرینه داریم بر این که مراد روز چهاردهم است، روز نفر از مکه به بلدش، یکی این که دارد یوم نفره، نه یوم النفر، روز کوچ کردن این آقا، این آقا آن روز که کوچ میکند روزه بگیرد، دوم این که سائل گفت آخه این مسافر است، این استیحاش نشان میدهد که یک سفری بوده غیر از این سفری که در أثناء اعمال حج داشته است، در عرفات ومنی هم مسافر بوده است، پس معلوم میشود که این سفر سفر خاصی است، سفر از مکه به وطنش در نظرش بوده است، میگوید اولیس هو مسافرا، امام فرمود نعم، مگر در هنگامی که هفتم وهشتم ونهم یک روز قبل از روز ترویه و روز ترویه وروز عرفه میگفتیم روزه بگیرد وشما هم قبول دارید، مگر آن موقع مسافر نبود؟ چه فرقی میکند؟.

به نظر ما این فرمایش ایشان تمام نیست، خود این روایت صدرش داشت یصوم الثلاثة الایام بعد النفر، اگر فوت بشود ازش روزه روز هفتم وهشتم ونهم یصوم الثلاثة الایام بعد النفر، بعد از نفر سه روز روزه بگیرد، ذیلش هم دارد که فان لم یقم علیه جمّاله یصوم یوم الحصبة وبعده بیومین، قلت وما الحصبة قال یوم نفره، این را بگوئیم مراد یوم نفره من مکة الی بلده باشد، این خیلی بعید است، به قرینه آن یوم النفر قبلی که یوم النفر من منی است، قال فان قلت قدم یوم الترویة فخرج الی عرفات قال یصوم الثلاثة الایام بعد النفر، قلت فان جمّاله لم یقم علیه قال یصوم یوم الحصبة وبعده بیومین، قلت وما الحصبة قال یوم نفره، این ظاهرش این است که یوم نفر همان یوم النفر قبلی است، وتناسبش هم با یوم الحصبة همین است، یوم الحصبة روز سیزدهم است نه یوم نفر از مکه به وطن که ممکن است روز پانزدهم است، تضمین نشده که حتما روز چهاردهم است، راوی گفت سه روز را مدیر کاروان در مکه نگه نمیدارد که شما میفرمائید سه روز را بعد از رجوع به مکه روزه بگیرد، مدیر کاروان صبر نمیکند ،نگفت که حتما روز چهاردهم حرکت میکند، شاید روز پانزدهم حرکت کنند، یصوم یوم الحصبة وهو یوم نفره، ظاهرش این است یوم نفر از منی را میگوید نه یوم نفر از مکه به وطن که معلوم نیست روز چهاردهم ویا روز پانزدهم، وتناسب یوم الحصبة هم با یک روز مشخص است، که ظهورش در همان روز سیزدهم است.

اما این که ایشان فرمود پس چرا گفتن یوم نفره، میگفتن یوم النفر؟ این را برای این میگویند که در همین یوم النفر عمومی هم اشکال ندارد این آقا در منی باشد، لازم نیست روز دوازدهم بیاید مکه، همان روزی که خودش که کوچ میکند که مطابق با یوم النفر عمومی است، با این که خودش هم بخشی از روز را در منی است، یوم النفر عموم یوم نفر این شخص هم هست مشکلی نیست روزه بگیرد، تعیّنی ندارد که روز دوازدهم برو مکه تا روز سیزدهم روزه بگیری، نخیر، همان روز سیزدهم یوم نفر خودت هست روزه بگیر، با این که یوم نفرک هم هست که یوم نفر عمومی است که نام دیگرش یوم الحصبة است عیب ندارد، یصوم یوم الحصبة، قلت وما یوم الحصبة قال ویوم نفره.

اما این که ایشان فرمود پس چرا گفت اولیس هو مسافر، این معلوم میشود سفر خاصی بوده غیر از سفرهایی که در ایام حج است، بله درست است، ولی چرا میگوئید از اول آن سفر بود، امام فرمود یصوم یوم الحصبة ویومین بعده، یوم الحصبة ودو روز بعد روزه میگیرد، راوی میگوید آخه در این سه روز مسافر است، توی این سه روز مسافر است ولو بخشی از این سه را مسافر باشد، چون یصوم یوم الحصبة ویومین بعده، عملا میشد بخشی از این سه روز در حال سفر از مکه به وطن، امام فرمود اشکال ندارد.

بعد النفر میشود روز چهاردهم وبا بعد التشریق یکی میشود، تعارضی بین نقل شیخ ونقل کلینی نیست، چون این نقل به معنا است،

شما میفرمائید تعبیر یصوم الثلاثة الایام بعد النفر در نقل کلینی نیست، در نقل کلینی هست یصوم الثلاثة الایام بعد ایام التشریق، وآن قلت وما الحصبة قال یوم نفر در نقل کلینی است، در نقل شیخ نیست، این ها را با هم دیگر ادغام کردن وضمیمه کردن وقرینه درست کردن را شما نمپذیرید، ما اشکال نمیکنیم، دو نقل ثقه است تعارضی هم ندارد، چرا از همدیگر کمک نگیریم.

حالا اگر اصرار دارید از همدیگر کمک نگیرید، هر نقلی را جدا حساب کنید، نقل کلینی را حساب میکنیم جدای از نقل شیخ، میگوییم ظاهر یصوم یوم الحصبة این است روز معینی است نه روزی که به انتخاب خود حاجی است یا به انتخاب مدیر کاروان است که کی به وطنش کوچ میکند که ممکن است روزه چهاردهم باشد ممکن است روزه پانزدهم باشد، ظاهراش این است که یوم الحصبه روز معینی است، ولذا راوی گفت یوم الحصبة چه روزی است امام فرمود روزی است که این آقا نفر میکند، یعنی این آقا مثل بقیه مردم است روزی است که از منی کوچ میکند.

جواب سؤال: اگر به یکی بگویند شما بعد از ایام تشریق در مکه روز بگیر، بگوئید مدیر کاروان صبر نمیکند یعنی تا سه روز صبر نمیکند، ممکن است روز دوم بگوید برویم، هیچ ظهوری ندارد که لم یقم علیه جماله که همان روز اول مدیر میگوید برویم، سه روز را صبر نمیکند، امام میفرماید اگر صبر نمیکند یصوم یوم الحصبة ویومین بعده، قلت وما الحصبة ظاهرش این است یوم الحصبة معینی هست نه به انتخاب این حاجی ومدیر کاروان گذاشتند که هر روزی که به وطنت میروی آن میشود یوم الحصبة، یوم نفرک، ظاهرش این است یوم الحصبة روز معینی است که استظهار کردیم ،وایشان هم قبول داشت که یوم الحصبة روز سیزدهم است، یوم نفره یعنی آن نمیدانست یوم الحصبة چیه، با این که روز سیزدهم بود، امام فرموده یوم نفره، یعنی روزی که با بقیه کاروان از منی کوچ میکند ومتعارف بوده روز سیزدهم کوچ میکردند.

اگر ایشان این طوری معنا میکند یصوم یوم الحصبة را به روز چهاردهم میزند جزما یا احتمالا، پس چرا در مناسک فرمودند مضطر روز سیزدهم روزه بگیرد، این را از کجا استخراج کرد، اگر این روایت را این طور توجیه کنیم که شاید روزه چهاردهم باشد، دلیلی نداریم یصوم یوم الحصبة ای یوم الثالث عشر اگر مضطر باشد که در مناسک نوشتند.

اگر ایام تشریق نیست روز سیزدهم پس چرا فقط مضطر میتواند روز سیزدهم روزه بگیرد، مختار هم میتواند.

ممکن است بعضی از روایات با قرینه یوم النفر استعمال بشود در کوچ کردن از مکه به وطن، مثل فلما کان یوم النفر وجد ثمن شاة، ولی این روایت دارد یوم الحصبة را معنا میکند ویوم الحصبة ظهورش روز سیزدهم بوده است.

بحث دیگر این است که آقای خوئی فرمودند ظاهر روایت این است سه روز روزه قربانی بدل هدی را در مکه روزه بگیرد، اگر برگشت بعد از ایام تشریق بعد گفتند برویم جده آنجاها مقداری در جده بمانیم، میگوید خوب ما سه روز روزه قربانی را در جده بگیریم، ایشان میفرماید این خلاف روایات است، صحیحه سلیمان بن خالد میگوید که یصوم ثلاثة ایام بمکة، صحیحه معاویة بن عمار هم میگوید صام ثلاثة ایام بمکة، ولذا ظاهر روایت این است که این سه روز را در مکه روزه بگیرد.

در مقابل این دو روایت ما دلیلی نداریم که به خاطر آن دلیل این دو روایت را حمل بر استحباب بکنیم، ولذا وجهی برای فرمایش مرحوم نائینی که فرمود صوم ثلاثة ایام واجب نیست در مکه باشد، میتواند در طائف مثلا باشد، این فرمایش مرحوم نائینی وجهش معلوم نیست، دو روایت داریم میگوید یصوم ثلاثة ایام بمکة وهیچ قرینه وهیچ روایتی هم نداریم که این را حمل بر استحباب بکنیم، ما چه جوری دست از ظهور روایت در وجوب برداریم؟.

قطعا تاخیر صوم ثلاثة ایام تا بعد از نفر از مکه به شهر خودش، کلام در این است که از مکه نفر نکرده، بلکه چند روزی رفته جده، چند روزی رفت طائف، هنوز از مکه نفر نکرده، میخواهد برگردد به مکه، بحث در این است، والا اگر نفر از مکه بکند قطعا تأخیر جائز نیست.

بحث دیگر این است آقای خوئی فرموده است اگر کسی تمکن نداشت قبل از نفر از مکه این سه روز را روزه بگیرد، مخیر است، میتواند در مسیر رجوع به وطن را این سه روز را روزه بگیرد، میتواند بعد از رجوع به وطن روزه بگیرد، ولی اگر متمکن بود سه روز را قبل از نفر از مکه روزه بگیرد ولی عمدا نگرفت این خلاف کرده است وصوم بعد از رجوع به وطن در حق این شخص مجزی نیست، حالا نمیدانیم آقای خوئی میگوید حجش باطل است اگر کسی عمدا سه روز را در مکه روزه نگرفت، یا منتقل میشود وظیفه اش به هدی، ولو در سنه قادمه، این را دیگر بیان نکرد، ولی میفرماید این که ما میگوئیم اگر سه روز را در مکه نتوانستی روزه بگیری ان شئت فصم فی الطریق او اذا رجعت الی بلدک این مربوط به غیر متمکن است، متمکن اگر سه روز مکه را روزه نگیرد اصلا صوم ثلاث ایام در طریق یا بعد از رجوع به بلد مجزی نیست.

بحث در این است که ایشان فرموده اگر متمکن بود این سه روز را در مکه روزه بگیرد عمدا نگرفت رفت از مکه به شهر خودش، صوم در طریق وصوم بعد از رجوع به بلد مجزی نیست، اما نفرموده مجزی نیست، این بیچاره چه بکند، حجش باطل است؟ یا حجش صحیح است صوم ازش ساقط میشود ومنتقل میشود وظیفه اش به قربانی در سالهای آینده؟ اینها بیان نکرده، باید خودمان حساب کنیم، ولی اگر متمکن نبود از صوم ثلاثة ایام در مکه، این مشکل ندارد، یصوم فی الطریق او بعد الرجوع الی بلده.

دلیلش هم صحیحه معاویه بن عمار است، حدثنی عبد صالح، قال سألته عن المتمتع لیس له اضحیه وفاته الصوم حتی یخرج، ولیس له مقام، قال یصوم ثلاثة ایام فی الطریق ان شاء، وان شاء صام عشرة فی اهله، ایشان تعبیر فاته الصوم حتی یخرج ولیس له مقام، حمل کرده بر غیر متمکن، اما متعمد ایشان میگوید صدق نمیکند: فاته الصوم حتی یخرج ولیس له مقام.

روایت صحیحه معاویه بن عمار که قدر متیقنش غیر متمکن از صوم ثلاثه ایام در مکه است مخیر کرده است مکلف را که اگر دوست داشتی در أثناء طریق روزه بگیر واگر خواستی در بلدت روزه بگیر، وبه خاطر این صحیحه معاویه بن عمار دست برمیداریم از دو صحیحه که صوم در أثناء طریق مجزی نیست وحتما صوم ثلاثه ایام باید بعد از رجوع به بلد باشد، یکی صحیحه سلیمان بن خالد است که دارد که ان لم یقم علیه اصحابه ولم یستطع المقام بمکه فلیصم عشرة ایام اذا رجع الی اهله، نفرمود ثلاثة ایامش را میتواند در طریق روزه بگیرد، فرموده فلیصم عشرة اذا رجع الی اهله، میگوئیم خیلی خوب، صحیحه معاویه بن عمار قرینه است که بگوئیم ویجزیه ان یصوم ثلاثه ایام فی الطریق، صحیحه معاویه بن عمار نص است واز ظهور این رفع ید میکنیم.

مشکل صحیحه محمد بن مسلم است که دارد الصوم الثلاثة ایام ان صامها فآخرها یوم عرفة، وان لم یقدر علی ذلک، اگر نتواند تا روز عرفه این سه روز را روزه بگیرد فلیأخرها حتی یصومها فی اهله، ولایصومها فی السفر، نهی کرده از صوم ثلاثه ایام در سفر برای کسی که روز هفتم وهشتم ونهم این سه روز را روزه نگرفته، گفته میشود این صحیحه محمد بن مسلم نهی کرده از صوم ثلاثه ایام فی الطریق وگفته حتما باید بعد از رجوع به بلد روزه بگیرید، تامل کنید ان‌شاءالله روز شنبه راجع به این صحیحه صحبت میکنیم.

1. ماتن این درس: آقای سید حسن روحبخش. [↑](#footnote-ref-1)